

# پویش قدرت در نظم‌های منطقه‌ای و راهبرد امنیتی دولت متحد منطقه‌ای:

مطالعه موردی راهبرد امنیت ملی رژیم صهیونیستی در جنگ داخلی  
سوریه ۲۰۱۹-۲۰۱۲

فرهاد قاسمی\*

امیر عباسی خوشکار\*\*

## چکیده

پویش قدرت در جنگ داخلی سوریه از طریق موازنه‌سازی هوشمند بین سه خرده شبکه مقاومت، ترکیه و کردها شاخص‌سازی عینی شده است. هر یک از واحدهای دولتی در خوزه شامات و خلیج فارس با استفاده از طراحی‌های راهبردی خود به دنبال دستکاری در پویش قدرت و به تبع آن تأثیرگذاری بر نظم امنیتی آینده در خوزه شامات بوده‌اند. پرسش اصلی پژوهش پیش رو این بوده که «پویش قدرت در نظم امنیتی منطقه غرب آسیا در قالب جنگ داخلی سوریه چگونه بر راهبرد امنیتی رژیم صهیونیستی به‌عنوان دولت پیرو در این جنگ تأثیر داشته است؟» در پاسخ به پرسش مطرح، این فرضیه مورد آزمون قرار گرفته که به دلیل سلسله‌مراتبی بودن شبکه نظم جهانی، پویش قدرت در نظم امنیتی منطقه غرب آسیا و جنگ داخلی سوریه از طریق اثرگذاری بر راهبرد امنیتی دولت حامی بر راهبرد امنیتی دولت پیرو مؤثر بوده است. بر این اساس رژیم صهیونیستی با توجه به اثرگذاری پویایی قدرت در جنگ داخلی سوریه بر راهبرد امنیتی آمریکا، راهبرد امنیتی خود را به تبعیت از راهبرد امنیتی آمریکا در این جنگ طراحی کرده است. روش پژوهش در این مقاله روش مدل‌سازی قیاسی است.

**واژه‌های کلیدی:** راهبرد امنیتی رژیم صهیونیستی، پویش قدرت، شبکه نظم امنیتی  
غرب آسیا، جنگ داخلی سوریه

---

fghasemi1@yahoo.com

\* دانشیار رشته روابط بین‌الملل دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛

khoshkar1392@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران؛

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷

فصلنامه روابط خارجی، سال دهم، شماره سی‌ونهم، پاییز ۱۳۹۷، صص ۳۵-۵

## مقدمه

جنگ داخلی سوریه پس از سال‌ها نبرد و مداخله قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای به مراحل پس از جنگ گسترده رسیده است؛ مراحل نظم‌سازی که برخی از واحدهای دولتی مانند ترکیه و جمهوری اسلامی ایران حضور مستقیم و برخی دیگر مانند عربستان و قطر سهم ناچیزی در آن دارند. یکی از واحدهای تأثیرگذار بر پویش نظم امنیتی در جنگ داخلی سوریه رژیم صهیونیستی است. این واحد سیاسی از جمله واحدهای سیاسی حاضر در جنگ داخلی سوریه است که در طراحی راهبرد امنیتی خود پیچیدگی زیادی داشته است. رژیم صهیونیستی متحد منطقه‌ای آمریکا بوده و در تأثیرگذاری بر نظم امنیتی داخلی سوریه از ابزارها و پیوندهای امنیتی متنوعی بهره برده است.

در ارتباط با نحوه دخالت رژیم صهیونیستی در جنگ داخلی سوریه و چگونگی حضور این رژیم در خاک سوریه منابع پژوهشی و خبری متعددی وجود دارد؛ زیرا این موضوع از اهمیت راهبردی زیادی برای منافع امنیتی جمهوری اسلامی ایران در سوریه برخوردار است. نوآوری پژوهش پیش رو در بررسی راهبرد امنیتی رژیم اشغالگر اسرائیل در جنگ داخلی سوریه در چارچوب نظم امنیتی و پویایی قدرت حاضر در این نظم است. در واقع این نوشتار در پی مطالعه و بررسی تأثیر پویش قدرت در نظم امنیتی خوشه شامات و جنگ داخلی سوریه بر راهبرد امنیتی رژیم صهیونیستی است.

پرسش اصلی در این پژوهش عبارت است از اینکه «پویش قدرت در نظم امنیتی منطقه غرب آسیا در قالب جنگ داخلی سوریه چگونه بر راهبرد امنیتی

رژیم صهیونیستی به‌عنوان دولت پیرو در این جنگ تأثیر داشته است؟» در پاسخ به پرسش مطرح، این فرضیه مورد آزمون قرار می‌گیرد که به دلیل سلسله‌مراتبی بودن شبکه نظم جهانی، پویش قدرت در نظم امنیتی منطقه غرب آسیا و جنگ داخلی سوریه از طریق اثرگذاری بر راهبرد امنیتی دولت حامی بر راهبرد امنیتی دولت پیرو مؤثر است. بر این اساس رژیم صهیونیستی با توجه به تأثیرگذاری بر پویایی قدرت در جنگ داخلی سوریه بر راهبرد امنیتی آمریکا، راهبرد امنیتی خود را به تبعیت از راهبرد امنیتی آمریکا در این جنگ طراحی می‌کند.

پژوهش پیش رو بر اساس رویکرد پژوهشی مدل‌سازی قیاسی انجام می‌گردد. در این رویکرد ابتدا مدلی با استفاده از نظریه‌های مختلف به‌صورت استقرایی طراحی و سپس با استفاده از مدل طراحی شده به‌صورت قیاسی به تبیین پدیده سیاسی پرداخته می‌شود.

### ۱. الگوی نظری

برای بررسی تأثیر پویش قدرت بر راهبرد امنیتی رژیم صهیونیستی در جنگ داخلی سوریه به الگوی نظری کارآمد و دقیق نیاز داریم؛ پیوندهایی مفهومی و الگوی نظری که بتواند پیچیدگی‌های پویش قدرت و نظم‌سازی امنیتی را در کنار تأثیرگذاری‌های راهبردی توضیح دهد. طراحی الگوی نظری پیش رو بر اساس سه مفهوم محوری نظم شبکه‌ای شده، پویش قدرت و راهبرد امنیتی دولت متحد منطقه‌ای انجام شده است. پیوند مفاهیم مذکور در قالب یک دستگاه نظری پیچیده در سطور ذیل انجام خواهد شد.

#### ۱-۱. نظم شبکه‌ای شده در روابط بین‌الملل

«نظم» مفهومی لغزنده<sup>۱</sup> است و با توجه به حوزه مورد پژوهش در قالب روش‌های مختلف<sup>۲</sup> مورد استفاده قرار می‌گیرد (Alagappa, 2003, p 12). مفهوم نظم اغلب به دو معنا به کار می‌رود: نخست تعریف و توصیف وضعیت موجود خاص و کنونی

1. Slippery

2. Multiple ways

که با توزیع قدرت موجود مرتبط است. دوم، به ثبات‌سازی و پیش‌بینی‌پذیری بیشتر مربوط می‌شود (Acharya, 2007, p 28). در یک دسته‌بندی کلان دو نوع نظریه داریم: ۱- کارگزارپایه؛ در این نظریه موجودیت‌ها<sup>۲</sup> ابتدا پدید می‌آیند و روابط نتیجه ویژگی‌های کارگزاران است. ۲- چشم‌انداز رابطه‌ای<sup>۳</sup>: در این نوع نظریه‌ها واحدها<sup>۴</sup> اهمیت و کارکرد نقش خود را از تعاملات بین واحدها به دست می‌آورند (Gilde, 2014, p 50).

نگاه دوم به نظم‌نگاهی شبکه‌ای است. در این رویکرد پیوندهای بین واحدها در سطوح منطقه‌ای و جهانی تعیین‌کننده وزن تأثیرگذاری و اهمیت راهبردی آن‌ها است. هر پیوند از اهمیت و چگالی ارتباطی متنوعی برخوردار است. به دلیل ارتباطی و شبکه‌ای شدن نظم در روابط بین‌الملل بایستی از نگاه‌های کارگزارپایه و منجمد سخت‌افزاری جریان اصلی فاصله بگیریم و با حفظ منطق اصلی جریان اصلی یعنی جست‌وجوی واحدها جهت کسب امنیت و قدرت به رویکرد تحلیلی‌نگاهی متفاوت بیندازیم. لذا نگارندگان با شبکه‌کردن نظم‌های اصلی روابط بین‌الملل (جهانی و منطقه‌ای) در پی ارائه مفهومی متفاوت برای تبیین نظم امنیتی و پویایی حاکم بر آن هستند.

در این پژوهش شبکه‌نظم جهانی و منطقه‌ای، دو سطح از نظم شبکه‌ای شده هستند که از پیوندهای مبتنی بر رقابت و همکاری بین واحدهای دولتی و غیردولتی در سه لایه ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر بهره‌مند هستند. در شبکه‌های نظم جهانی و نظم‌های منطقه‌ای انواع نظم وجود دارند که محل مطالعه مقاله حاضر نیستند. در این پژوهش شبکه‌نظم جهانی به صورت شبکه سلسله‌مراتبی تک/چند کانونی و شبکه نظم منطقه‌ای غرب آسیا به صورت شبکه چند کانونی در نظر گرفته شده‌اند.

- 
1. Actor-based
  2. Entities
  3. Relational perspective
  4. Unites

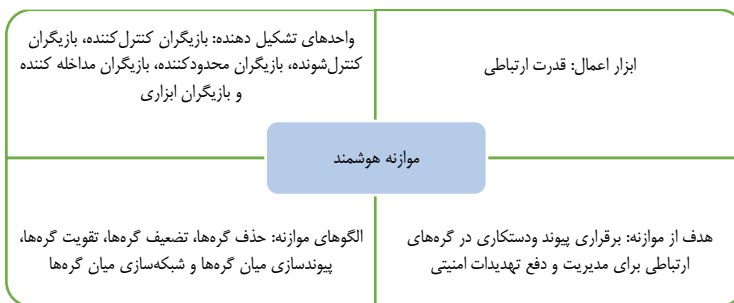
## ۲-۱. عوامل پیوندساز و اتصال‌دهنده شبکه نظم جهانی و منطقه‌ای

شبکه نظم جهانی و منطقه‌ای توسط سه مؤلفه تحلیلی پویش قدرت، چرخه قدرت واحد مداخله‌گر فرا منطقه‌ای و راهبرد امنیتی واحد متحد منطقه‌ای به یکدیگر متصل می‌شوند.

### ۱-۲-۱. پویش قدرت

برای تبیین مفهوم پویش قدرت در شبکه نظم جهانی و منطقه‌ای لزوم فاصله گرفتن از مفهوم‌پردازی‌های سنتی درباره قدرت بسیار مهم است و برای رسیدن به نتایج مطلوب نگاه منبع محور و سخت‌افزاری به مفهوم قدرت در رویکرد شبکه‌ای به نگاه ارتباطی و پیوندی جهت مدیریت گره‌های ارتباطی تغییر می‌یابد. در رویکرد شبکه‌ای به مفهوم قدرت، این مفهوم به «قدرت ارتباطی» و موازنه‌سازی به «موازنه‌جویی هوشمند» تبدیل می‌شود. منابع قدرت ارتباطی عبارت‌اند از قدرت اجباری، قدرت کنسرت‌ساز، قدرت نهادی و قدرت چانه‌زنی (Petersen, 2012, p 15). بهره‌گیری از منابع قدرت ارتباطی جهت مدیریت گره‌های ارتباطی موازنه‌سازی هوشمند تلقی می‌گردد و به دلیل به مدیریت گره‌های ارتباطی برای کسب منافع امنیتی موازنه هوشمند گفته می‌شود. در نمودار ۱ اجزای مفهوم موازنه‌جویی هوشمند ارائه شده است.

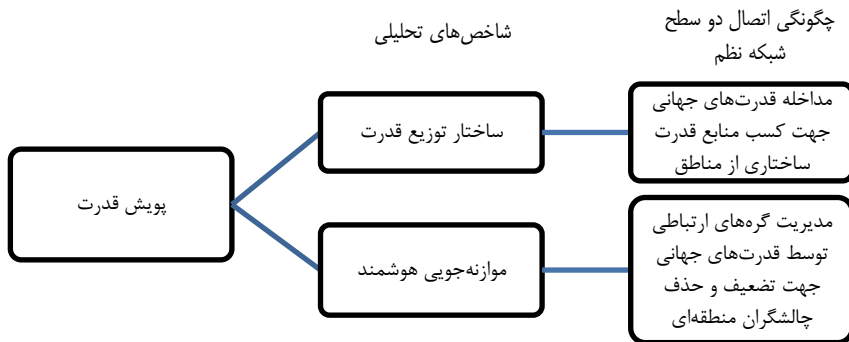
جدول نمودار ۱. اجزای مفهوم موازنه هوشمند



پویش قدرت از طریق مداخله قدرت‌های بزرگ جهت دستیابی به منابع قدرت در مناطق (Bowie, 2002, p 36) و موازنه‌جویی هوشمند برای مدیریت تهدیدات منطقه‌ای و تضعیف قدرت‌های منطقه‌ای نوظهور چالشگر دو سطح شبکه نظم

جهانی و منطقه‌ای را به یکدیگر متصل می‌سازد. برخی خوشه‌های ژئوپلیتیکی منطقه‌ای به دلیل اهمیت آن‌ها در چرخه قدرت در شبکه نظم جهانی مورد توجه ویژه قدرت‌های جهانی است. خوشه ژئوپلیتیک خلیج فارس و شامات از جمله خوشه‌های مهم در پویای قدرت در سطح جهانی است. در این پژوهش پویای قدرت در قالب دو شاخصه ساختار توزیع قدرت اقتصادی- نظامی و موازنه‌جویی هوشمند در دو سطح جهانی و منطقه‌ای تعریف می‌شود.

نمودار ۲. اجزای مفهوم پویای قدرت



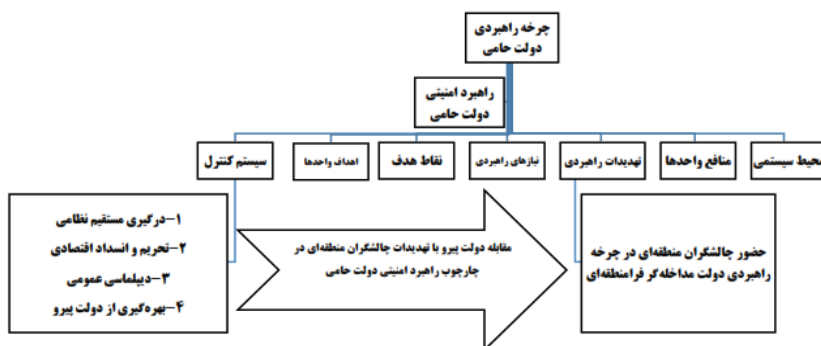
۲-۲-۱. چرخه راهبردی قدرت‌های مداخله‌گر جهانی

یکی دیگر از عوامل اتصال‌دهنده دو سطح شبکه جهانی و منطقه‌ای چرخه راهبردی قدرت مداخله‌گر فرا منطقه‌ای و قرار گرفتن چالشگران منطقه‌ای و متحدان منطقه‌ای در سیستم کنترل واحد مداخله‌گر جهانی است. متغیرهای تحلیلی چرخه راهبردی دولت مداخله‌گر عبارت‌اند از: ۱- محیط سیستمی؛ ۲- تهدیدات راهبردی؛ ۳- منافع واحدها؛ ۴- اهداف واحدها به‌عنوان ارزش‌های غایی و حیاتی؛ ۵- نقاط هدف؛ ۶- نیازهای راهبردی به‌عنوان ضرورت‌های لازم جهت تغییر در نقاط هدف؛ ۷- سیستم کنترل و سازوکارهایی که باعث تغییرات ضروری در نقاط هدف می‌شود و تأمین‌کننده اهداف و منافع واحدها است (قاسمی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۰).

سیستم کنترل واحد دولتی مداخله‌گر مهم‌ترین جزء پیونددهنده دو سطح شبکه نظم است. یکی از زمینه‌های مداخله قدرت‌های جهانی در مناطق تحت نفوذ

کنترل خوشه‌های ژئوپلیتیکی است (Levy & Thompson, 2005, p 13). در این مقاله سیستم کنترل دولت مداخله‌گر در قالب چهار ابزار مدیریت گره‌های ارتباطی و موازنه‌سازی هوشمند در مناطق عبارت‌اند از: ۱- درگیری مستقیم نظامی؛ ۲- تحریم و انسداد اقتصادی؛ ۳- دیپلماسی عمومی و قدرت نرم؛ ۴- بهره‌گیری از واحدهای دولتی حامی<sup>۱</sup> و دولتی و غیردولتی پیرو<sup>۲</sup>. یکی از مهم‌ترین ابزارهای مدیریت چالشگران منطقه‌ای استفاده از واحدهای دولتی و غیردولتی متحد منطقه‌ای در قالب نظم‌سازی امنیتی نیابتی است (Brzezinski, 1998, p 41). در اینجا در چارچوب پیوند حامی-پیرو واحد متحد منطقه‌ای به نفع واحد حامی فرا منطقه‌ای چالشگران منطقه‌ای را به نفع قدرت حامی فرا منطقه‌ای و در چارچوب منافع امنیتی منطقه‌ای خود تضعیف می‌کند. در قالب سیستم کنترل دولت مداخله‌گر، پیوند حامی-پیرو را می‌توان در سه شاخص تحلیل مرتبط با یکدیگر تبیین نمود. این شاخص‌های پیوند ساز عبارت‌اند از: ۱- سلسله مراتبی بودن شبکه نظم جهانی و منطقه‌ای (پیوندهای نامتقارن دوجانبه)؛ ۲- ایفای نقش ابزاری در نظم‌سازی امنیتی (متحد منطقه‌ای ابزار نظم‌ساز حامی فرا منطقه‌ای است)؛ ۳- جلب حمایت دولت حامی (تأمین منافع امنیتی منطقه‌ای در پیوندسازی با دولت حامی فرا منطقه‌ای).

نمودار ۳. اتصال شبکه نظم جهانی و منطقه‌ای و جایگاه سیستم کنترل دولت مداخله‌گر



1. Patron

2. Client

## ۱-۲-۳. راهبرد امنیتی دولت متحد منطقه‌ای

دولت متحد منطقه‌ای پیرو در قالب قرار گرفتن در سیستم کنترل دولت مداخله‌گر فرا منطقه‌ای حامی و بهره‌گیری از گره‌های ارتباطی حمایتی و نیابتی ابزارساز با واحد حامی، سبب اتصال دو شبکه نظم جهانی و منطقه‌ای به یکدیگر می‌شود. دولت متحد منطقه‌ای در طراحی راهبرد امنیتی خود در برابر پویایی قدرت در خوشه‌های ژئوپلیتیکی در محیط راهبردی خود در پیوند تبعی با قدرت حامی قرار می‌گیرد. دولت پیرو طراحی‌های بازدارندگی خود را به صورت مستقل و مجزا صورت نمی‌دهد (Katzenstein, 2005). بازدارندگی متحد منطقه‌ای که همان راهبرد منطقه‌ای آن است به دلایل سه‌گانه‌ای که ذکر شد انجام می‌شود. پیوند تبعی بازدارندگی دولت پیرو و حامی را می‌توان در سه شاخص تحلیلی بررسی کرد: ۱- طراحی در چارچوب نقش ابزاری؛ ۲- طراحی در چارچوب راهبرد امنیتی دولت حامی؛ ۳- طراحی در پیوند تبعی در تهاجمی و تدافعی شدن.

نمودار ۴. شاخص‌های تحلیلی تبعی بودن راهبرد امنیتی واحد متحد منطقه‌ای



طراحی راهبرد امنیتی و بازدارندگی دولت متحد منطقه‌ای پیرو به صورت تبعی در بعد نقش ابزاری به این معناست که دولت پیرو با توجه به نیازهای راهبردی دولت حامی در سرکوب چالشگران امنیتی منطقه‌ای و نظم‌سازی امنیتی به سرکوب چالشگران منطقه‌ای اقدام می‌کند (Hokayem, 2014, p 80). در اینجا در شناسایی چالشگران منطقه‌ای هم‌پوشانی حداکثری در تهدید شدن از طرف دشمن مشترک مشاهده می‌شود. حزب‌الله و جمهوری اسلامی ایران برای آمریکا و رژیم



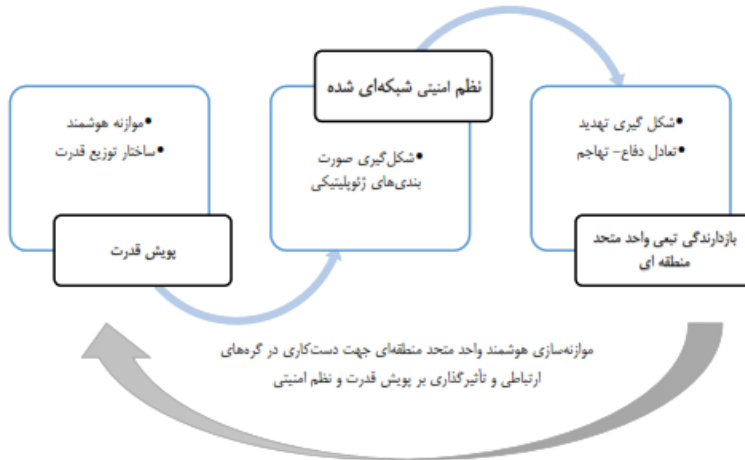
صهیونیستی جزء تهدیدات امنیتی مشترک منطقه‌ای محسوب می‌شوند. در بعد پیوند تعادل تهاجمی - تدافعی تبعیت راهبردی و بازدارندگی پیرو از حامی به راهبرد تهاجمی و تدافعی حامی مرتبط می‌شوند. در وضعیت تهاجمی مداخله‌گر فرا منطقه‌ای واحد متحد منطقه‌ای وضعیت تهاجمی به خود می‌گیرد و بالعکس. راهبرد امنیتی آمریکا در دوره ترامپ در منطقه غرب آسیا در وضعیت تدافعی و پرهیز از درگیری مستقیم قرار داشته است (Stuster, 2017). رژیم صهیونیستی نیز به تبعیت از آن در جنگ داخلی سوریه و در برابر حزب‌الله در وضعیت تدافعی و پرهیز از جنگ گسترده قرار دارد.

تبعی بودن راهبرد امنیتی و بازدارندگی در شاخص تحلیلی سوم که مهم‌ترین شاخص است به طراحی راهبرد امنیتی دولت پیرو در چارچوب راهبرد امنیتی دولت حامی اشاره دارد (Wohlforth, 1999, p 13). در این نوع از طراحی الزامات و خطوط قرمز راهبرد امنیتی دولت حامی توسط دولت پیرو رعایت می‌شود (Kupchan, 1998, p 42) و خلاقیت‌ها و آزادی عمل راهبردپردازی دولت پیرو در چارچوب راهبرد امنیتی واحد حامی قرار می‌گیرد (Tessman and Chan, 2004, p 37). استمرار حضور فشار اسد و عدم حذف فیزیکی او توسط آمریکا الزام و محدودیت راهبردی بوده است که تاکنون رژیم صهیونیستی با پذیرش آن در این چارچوب طرح‌های راهبردی خویش را به پیش برده است.

در جمع‌بندی بخش نظری و برای ارائه تصویری کامل از الگوی طراحی شده باید گفت، دو سطح شبکه نظم جهانی و منطقه‌ای وجود دارد که بر اساس پیوندهای همکاری و رقابت بین واحدهای دولتی و غیردولتی شکل می‌گیرند. این دو سطح شبکه با توجه به پویش قدرت و بر اساس ساختار توزیع قدرت و موازنه‌سازی هوشمند تعریف می‌شوند، نظم‌های امنیتی متنوعی را درون خود پدید می‌آورند. نظم‌های امنیتی برآمده از پویایی قدرت به دلیل وجود تهدیدات و فرصت‌های راهبردی برای واحدهای مداخله‌گر جهانی و منطقه‌ای همواره توسط موازنه‌سازی هوشمند و استفاده از قدرت ارتباطی در قالب راهبردهای امنیتی و دستکاری در خوشه‌های ژئوپلیتیکی بازصورت‌بندی می‌شوند. دولت متحد

منطقه‌ای در پیوند راهبردی تبعی با قدرت مداخله‌گر فرا منطقه‌ای حامی به دخالت و دستکاری در پویش قدرت در خوشه‌های ژئوپلیتیکی برای صورت‌بندی مجدد نظم امنیتی در راستای مدیریت تهدیدات امنیتی و حفظ تعادل دفاع-تهاجم به نفع خود راهبرد امنیتی خویش را در بحران‌های ژئوپلیتیکی و جنگ‌های منطقه‌ای طراحی می‌کند (Acharya, 2007, p 13).

نمودار ۵. چگونگی تأثیرگذاری پویش قدرت بر راهبرد امنیتی دولت متحد منطقه‌ای (منبع یافته‌های تحقیق)



## ۲. شبکه نظم امنیتی غرب آسیا و جنگ داخلی سوریه

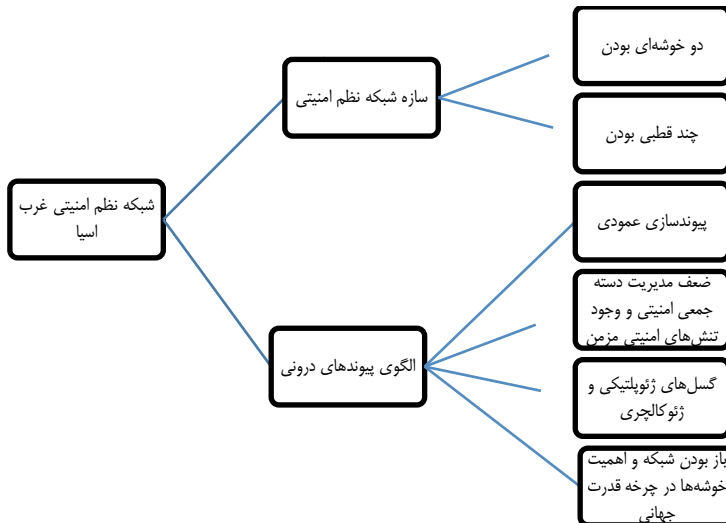
در این بخش پیش از بررسی راهبرد امنیتی رژیم صهیونیستی در جنگ داخلی سوریه در ابتدا سازه و ویژگی‌های پیوندهای درون شبکه نظم امنیتی غرب آسیا را بررسی می‌کنیم، سپس دوره‌های انتقال نظم امنیتی از دو شبکه به سه شبکه‌ای شدن را مطالعه می‌کنیم.

### ۱-۲. ویژگی‌های شبکه نظم امنیتی غرب آسیا

شبکه نظم امنیتی غرب آسیا یک سازه دو خوشه‌ای و چهار نوع پیوند درون‌شبکه‌ای دارد. دو خوشه موجود در شبکه نظم امنیتی غرب آسیا، خوشه شامات (ترکیه، رژیم صهیونیستی، سوریه، لبنان، عراق و اردن) و خوشه

خلیج فارس (جمهوری اسلامی ایران، عربستان و سایر کشورهای حاشیه ضلع جنوبی خلیج فارس) است (Fulton, 2011). پیوندهای درون‌شبکه‌ای در این دو سازه ویژگی‌های عمدتاً سلبی و ناکارآمد دارد؛ این پیوندها عبارت‌اند از: ۱- شکاف‌های ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری؛ ۲- ضعف مدیریت دسته‌جمعی امنیتی و وجود تنش‌های امنیتی مزمن؛ ۳- باز بودن شبکه و اهمیت خوشه‌ها در چرخه قدرت جهانی؛ ۴- پیوندهای عمودی (پیوند بین واحدهای غیردولتی و دولتی حاضر در خوشه‌ها و پیوند حامی- پیرو بین واحدهای دولتی و غیردولتی منطقه و قدرت‌های فرا منطقه‌ای).

نمودار ۶. ساخت و ویژگی‌های شبکه نظم امنیتی غرب آسیا



۲-۲. پویش قدرت و نظم امنیتی در جنگ داخلی سوریه

پویش قدرت بر اساس ساختار توزیع قدرت و موازنه‌سازی هوشمند شاخص‌سازی و اشاره شد که پویش قدرت عامل علی نظم‌سازی امنیتی است. در جنگ داخلی سوریه هر یک از واحدهای مداخله‌گر با دستکاری در پویش قدرت در این جنگ با استفاده از راهبردهای امنیتی در پی نظم‌سازی امنیتی مطلوب خود هستند. اشتراک در حذف گره‌های ارتباطی گذشته و ایجاد گره‌های ارتباطی جدید سبب شکل‌گیری خرده شبکه‌های متنوع و ائتلاف‌های چندجانبه شده است.

۲-۱. دوره اضمحلال شبکه نظم امنیتی گذشته؛ انتقال به نظم دو خرده شبکه‌ای

(۲۰۱۲-۲۰۱۵)

جنگ داخلی سوریه برخلاف بحران‌های تونس، مصر و بحرین بعد جهش امنیتی و نظامی یافت و هزینه‌های بسیاری را برای حاکمان دمشق در بر داشت. شروع واگرایی اجتماعی در سوریه سرآغاز سلسله‌ای از همگرایی نیروهای ضد سیستمی با دخالت واحدهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بود. حکومت اسد از گذشته با نیروهای واگرای سنی و رادیکال‌های اسلام‌گرا در کنار کردها با اصطکاک‌ها و منازعات شدید امنیتی دست و پنجه نرم کرده بود. کنترل دولت دمشق بر تحرکات نیروهای واگرا با اضافه شدن عوامل منطقه‌ای و مداخلات فرا منطقه‌ای به ساختار منازعه بشار اسد و مخالفانش صورت‌بندی دیگری بخشید (Katari, 2013, p 3).

پس از تقویت نیروهای گریز از مرکز و ضد سیستمی افراط‌گرای خرده شبکه‌ای با توجه به گسل‌های ژئوکالچری (کردی- شیعی- سنی)، ژئوپلیتیکی (سهم‌خواهی سرزمینی توسط نیروهای معارض) و پیوندهای عمودی واحدهای دولتی فرا منطقه‌ای، واحدهای دولتی منطقه‌ای و واحدهای غیردولتی منطقه‌ای برای اضمحلال حکومت بشار اسد پدید آمد. برخی واحدهای دولتی خوشه خلیج فارس و خوشه شامات با همکاری واحدهای فرا منطقه‌ای «خرده شبکه مخالفان بشار اسد» را تشکیل دادند. پیوندهای تسلیحاتی، اقتصادی و ایدئولوژیکی سازنده و تقویت‌کننده پیوندهای درونی این خرده شبکه به شمار می‌آیند (Meysan, 2015, p 11)

در ابتدای سال ۲۰۱۲ پیوندهای اقتصادی قطر با شورشیان با پرداخت مقرری ۱۵۰ دلار در ماه و دو میلیون دلار در همان سال آغاز شد (Fielding Smith & Khalaf, 2013, p 11). در ابتدای پیدایش داعش، بیش از ۱۲ هزار تروریست از ۸۱ کشور جهان از طریق مرزهای شمال شرق ترکیه به داعش و جبهه النصره ملحق شدند. در بعد دخالت خوشه خلیج فارس در خوشه شامات پیوند تسلیحاتی عربستان سعودی با گروه‌های تروریستی در اضمحلال شبکه نظم امنیتی داخلی سوریه اهمیت ابزاری زیادی داشته است.

عربستان در ابتدای جنگ مبلغ ۲۷۵ میلیون ریال سعودی به مخالفان اسد کمک کرد. عربستان از کشورهای شرق اروپا مانند کرواسی و جمهوری چک مبلغ ۸۰۶ میلیون یورو تسلیحات خریداری و از طریق مرز اردن برای مخالفان اسد ارسال نمود. در ابتدای جنگ شاهزاده عبدالعزیز در دیدار خود با مقامات امنیتی ترکیه خواستار تأسیس مرکزی در آدانا واقع در ۱۰۰ کیلومتری مرز سوریه برای کمک تسلیحاتی از طریق خاک ترکیه به مخالفان اسد شد (Steinberg, 2013). در بعد پیوندهای فرا منطقه‌ای آمریکا با حمایت از مخالفین بشار اسد، گروه‌های کُرد شامل ۲۵ هزار جنگجو و اعراب مخالف نظام سیاسی سوریه را که از حدود ۵۰۰۰ نفر تشکیل می‌شدند، در قالب «نیروهای سوریه دموکراتیک» تقویت کرد. برنامه آموزش و تجهیز مخالفان اسد در سوریه توسط سازمان‌های جاسوسی آمریکا در حال تداوم است (Starr, 2015).

خرده شبکه دیگر در این جنگ در دوره نخست «خرده شبکه مقاومت» نام داشته است که شامل جمهوری اسلامی ایران، حکومت بشار اسد، نیروهای غیردولتی شیعی مانند حزب‌الله لبنان با همکاری روسیه بوده است. هسته اصلی خرده شبکه مقاومت را سربازان و نیروهای حکومت دمشق تشکیل داده‌اند. نیروهای سوری با متحدان آن حدود ۳۰۰ هزار نفر تخمین زده می‌شوند که از این تعداد شیعیان حزب‌الله و سایر گروه‌های شیعی طرفدار اسد به ۸۰۰۰ نفر بالغ می‌گردند (AFP, 2017). حزب‌الله لبنان در تابستان ۲۰۱۳ نیروهای خود را وارد سوریه کرد (Jorg Michael Dostal, 2018) حزب‌الله پس از آزادسازی القصر در مناطق مرزی سوریه و لبنان در بهار ۲۰۱۳ که مهم‌ترین نقطه شروع برای حضور آشکار در بحران سوریه بود، در عملیات‌های گوناگونی از جمله آزادسازی حلب در سال ۲۰۱۶ آزادسازی دیرالزور و منطقه قلمون در سال ۲۰۱۷ و... مشارکت داشته است (ساسانیان، ۱۳۹۷، ص ۴۸).

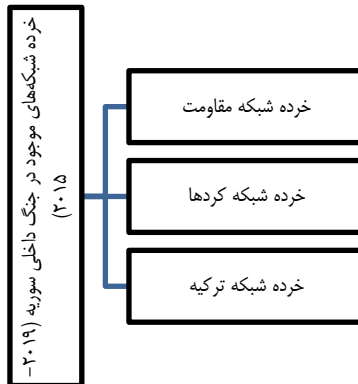
## ۲-۲-۲. دوره کاهش درگیری‌های نظامی؛ شکل‌گیری سه خرده شبکه (۲۰۱۵-۲۰۱۹)

با استمرار درگیری‌های نظامی انتقال از نظم امنیتی دو خرده شبکه‌ای به نظم امنیتی سه خرده شبکه‌ای به سه دلیل صورت گرفت: ۱- تقویت پیوندهای درون خرده

شبکه مقاومت؛ ۲- افزایش هزینه‌های نظم‌سازی ایجابی؛ ۳- قرار گرفتن آمریکا در گام سوم راهبردی (خروج ایران و متحدان آن از سوریه). با ورود نظامی روسیه به جنگ داخلی سوریه و حمایت از خرده شبکه مقاومت جهت استمرار حکومت بشار اسد شبکه مخالفان اسد دچار شکاف‌های اساسی شد. تقویت پیوندهای تسلیحاتی ایران، سوریه و روسیه سرعت تصرفات سرزمینی شبکه مخالفان را کاهش داد و تضادهای درون خرده شبکه مخالفان سبب اضمحلال آن شد (Rosenberg, 2017, p 6).

تسلط سلفی‌های طرفدار عربستان و اخوانی‌های نزدیک به ترکیه و قطر، آمریکا و رژیم صهیونیستی را دچار تردیدهای اساسی در شکل‌گیری بدیل‌های امنیتی جایگزین بشار اسد نمود. آمریکا و رژیم صهیونیستی بشار اسد تضعیف‌شده و تحت کنترل را کمتر از نیروهای افراط‌گرای سلفی و اخوانی تهدید امنیتی تلقی کردند. در ادامه با ورود آمریکا به گام سوم راهبردی تثبیت وضعیت موجود و خروج ایران از سوریه به حضور سه خرده شبکه مقاومت، ترکیه و کردها استمرار بخشید.

#### نمودار ۷. خرده شبکه‌های سه‌گانه در جنگ داخلی سوریه



پس از تقویت خرده شبکه مقاومت، آمریکا با تقویت خرده شبکه کردها به دنبال تضعیف خرده شبکه مقاومت و ایجاد پایگاه‌های نظامی بیشتر در خوشه ژئوپلیتیکی شامات بود. با تضعیف داعش و تصرف مناطق نفت خیز و حاصلخیز، نیروهای کرد YPG و متحدان سوری آن‌ها SDF با حمایت هوایی آمریکا، فرانسه و

انگلیس برخی شهرها را از اشغال داعش خارج کردند و مرزهای خود را در کنار مرزهای ترکیه گسترش دادند. به‌عنوان مثال حمله کردها به شهر رقه و دیرالزور با کمک تسلیحات آمریکایی و حمایت هواپیماهای آمریکایی صورت پذیرفت. بر طبق برخی آمارها، کردها در حدود ۲۰۰ هزار نیرو در اختیار دارند (AFP, 2017).

در جریان حمایت هوایی آمریکا از گروه PYD در سال ۲۰۱۵ کردها توانستند کوبانی را از داعش پس بگیرند. همچنین در تصرف منبع آمریکایی‌ها از کردها حمایت تسلیحاتی کردند (Syrian Kurds as a U.S ally, 2016) آمریکا در سال ۲۰۱۷ در فهرست گروه‌های تروریستی خود نام YPG و PYD را که از شاخه‌های PKK در سوریه هستند حذف کرد و این امر با خشم شدید ترکیه، دیگر متحد منطقه‌ای آمریکا روبه‌رو شد. (Saikal & Acharya, 2014, p 124)

خرده شبکه ترکیه از واحدهایی مانند ارتش ترکیه، ارتش آزاد (FSA) متشکل از نیروهای نظامی جداشده از ارتش بشار اسد و گروه‌های به‌اصطلاح میانه‌رو مخالف بشار اسد تشکیل شده است. ترکیه با حمایت از این خرده شبکه به دنبال تضعیف خرده شبکه مقاومت و کردها در مرزهای خود است. اختلافات ارضی و آبی با حکومت دمشق سبب شده است تا ترکیه به بقای این خرده شبکه به‌عنوان ابزار فشار روی آورد (Tung, 2016). خرده شبکه ترکیه بیش از نگرانی‌های امنیتی از خرده شبکه مقاومت از خرده شبکه کردها و متحد فرا منطقه‌ای آن‌ها دچار تنش‌های امنیتی شده است. در تصویر شماره ۱ نقشه ژئوپلیتیک مناطق تحت تصرف سه خرده شبکه ذکر شده را تا اوت ۲۰۱۹ مشاهده می‌کنید. سطح زرد رنگ مناطق تحت کنترل کردها و مناطق قرمز رنگ در اختیار خرده شبکه مقاومت و مناطق سبز رنگ در اختیار خرده شبکه ترکیه است.

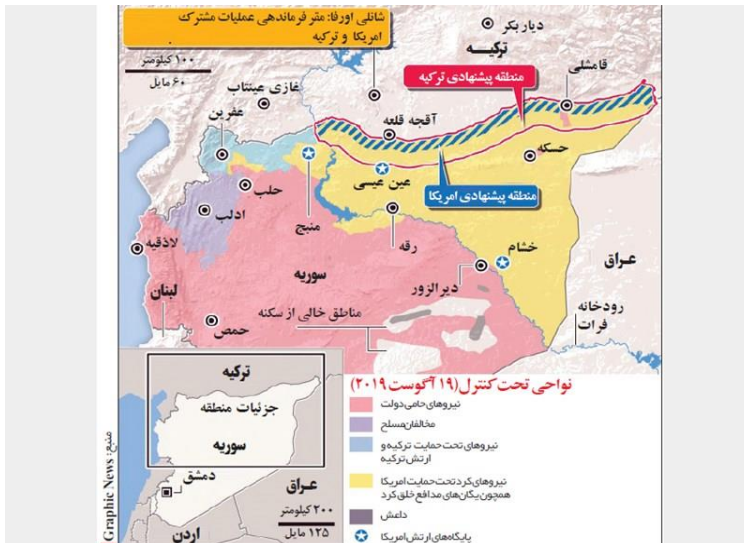
تصویر ۱. محل قرار گرفتن خرده شبکه‌های سه‌گانه در جنگ داخلی سوریه



با افزایش خطر خرده شبکه کردها برای خرده شبکه ترکیه در کنار تمایلات بسط طلبانه ژئوپلیتیکی خرده شبکه ترکیه، اردوغان تشکیل منطقه امن در مرزهای شمالی سوریه را به طول ۴۴۰ کیلومتر و عمق ۴۰ کیلومتری اعلام کرد. ترکیه در قالب توافق ۱۳ ماده ای با آمریکا جهت تصرف راس العین و تل البیض به عمق ۳۰ کیلومتر و طول ۱۲۰ کیلومتر به توافق رسید و عملیات چشمه صلح را در اکتبر ۲۰۱۹ آغاز نمود. بسط سرزمینی خرده شبکه مقاومت و خرده شبکه ترکیه به انقباض سرزمینی خرده شبکه کردها منجر شده است. به نظر می رسد آمریکا به دنبال اجرای طرح همکاری دوجانبه بین متحدین منطقه ای دولتی و غیردولتی جهت کاهش شکاف بین نیروهای نظم ساز متحد خود در عراق و سوریه است. لذا با کاهش نفوذ کردهای عراق و سوریه<sup>(۱)</sup> به دنبال حفظ پیوندهای امنیتی با دولت عراق و ترکیه است. در شکل زیر منطقه امن مورد ادعای ترکیه در خرده شبکه کردی را مشاهده می کنید.

تصویر ۲. منطقه امن ادعا شده توسط خرده شبکه ترکیه در خرده شبکه کردی





### ۳. راهبرد امنیتی رژیم صهیونیستی در جنگ داخلی سوریه

به دلیل ایفای نقش متحد منطقه‌ای و قرار گرفتن رژیم صهیونیستی در پیوند مبتنی بر حامی - پیرو با سه شاخصه‌ای که در الگوی نظری ذکر شد، راهبرد امنیتی این رژیم با توجه به تبعی بودن آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در این بخش در ابتدا راهبرد امنیتی آمریکا را به‌عنوان قدرت حامی فرا منطقه‌ای در جنگ داخلی سوریه بررسی می‌کنیم.

#### ۳-۱. راهبرد امنیتی واحد دولتی مداخله‌گر فرا منطقه‌ای حامی (ایالات متحده آمریکا)

راهبرد امنیتی آمریکا در جنگ داخلی سوریه در دو بعد بررسی اسناد امنیتی و رفتار امنیتی انجام می‌شود. این دو بعد در پیوند با یکدیگر راهبرد امنیتی آمریکا را در جنگ داخلی سوریه تشکیل می‌دهند.

#### ۳-۱-۱. اسناد امنیتی و راهبرد منطقه‌ای آمریکا

ظهور چالشگران جهانی دولتی برای تصاحب جایگاه آمریکا در رأس هرم قدرت جهانی توسط چین و روسیه سبب شده است تا از دوره اوپاما به بعد در اسناد امنیتی بالادستی آمریکا ضمن تهدید شمردن چین، روسیه، کره شمالی و ایران

به عنوان چالشگران امنیتی، راهبرد چرخش به شرق دنبال شود. راهبرد چرخش به شرق نخستین بار در سند تداوم رهبری جهانی امریکا، اولویت‌های دفاعی در قرن ۲۱ در سال ۲۰۱۲ ذکر شد. (Al sarhan, 2017, p 31) در این سند آمده است که منافع اقتصادی و امنیتی ایالات متحده در قرن جدید به منطقه‌ای گسترده از پاسیفیک غربی گرفته تا آسیای شرقی و جنوبی گره خورده است.

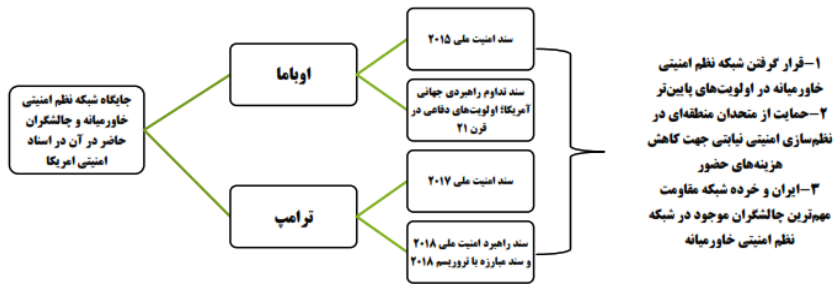
در سند ۲۰۱۷ راهبرد امنیت ملی آمریکا دولت‌های چین، روسیه، ایران و کره شمالی مهم‌ترین تهدیدهای آمریکا شمرده شده‌اند که فقط ۱۲ بار ایران به عنوان تهدید منطقه‌ای ذکر شده است! در سند امنیت ملی ۲۰۱۷ نوشته شده است: «به شرکایمان در به دست آوردن دفاع موشکی متقابل و دیگر قابلیت‌ها کمک کرده، با آن‌ها برای خنثی کردن فعالیت‌های بدخواهانه ایران در منطقه همکاری خواهیم کرد» (NSS, 2017).

در سند راهبرد امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۱۷ برای مقابله با تهدیدات فوق، آمریکا پیشنهادهای زیر را در راستای مقابله با جمهوری اسلامی ایران ارائه داده است:

۱. ایجاد بازدارندگی در مقابل ایران؛
  ۲. مقابله با گروه‌های مورد حمایت ایران از جمله حزب‌الله؛
  ۳. بستن تمامی مسیرهای دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای؛
  ۴. کاهش نفوذ و محدود کردن حضور نظامی ایران در منطقه
- (www.whitehouse.gov).

بررسی اسناد امنیتی دوره‌های ریاست جمهوری اوباما و ترامپ نشان می‌دهد اولویت راهبردی آمریکا به شرق آسیا و مهار چین تغییر پیدا کرده است و آمریکا برای کاهش هزینه‌های حضور خود با استفاده از واحدهای پیرو و متحدان منطقه‌ای خود در پی موازنه‌سازی هوشمند و نظم‌سازی امنیتی نیابتی جهت مهار و کنترل واحدهای چالشگر منطقه‌ای است.

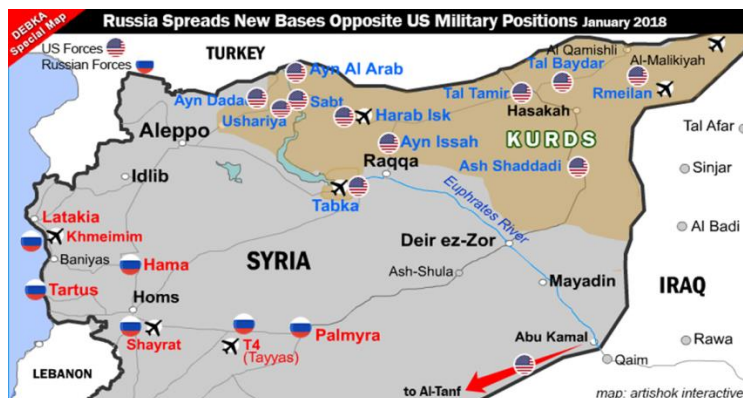
نمودار ۸. اولویت‌دهی به تهدیدات و مناطق در اسناد امنیتی آمریکا



### ۳-۱-۲. گام‌های راهبردی آمریکا در جنگ داخلی سوریه

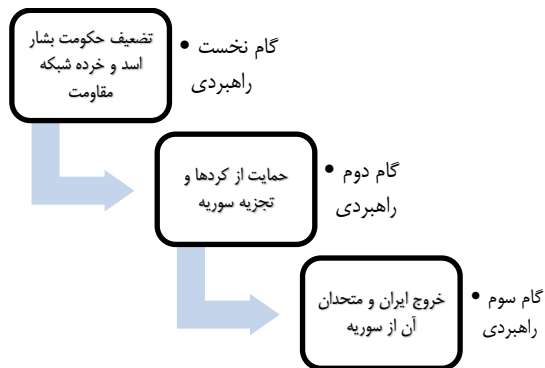
راهبرد امنیتی آمریکا در جنگ داخلی سوریه یکدست و تک‌مرحله‌ای نبوده و علی‌رغم استفاده ابزاری آمریکا از متحدان منطقه‌ای، دخالت مستقیم نظامی نیز در این جنگ اتفاق افتاده است. گام‌های راهبردی آمریکا در جنگ داخلی سوریه تاکنون را می‌توان در سه گام خلاصه کرد: در گام نخست و در قالب حمایت از خرده شبکه مخالفان بشار اسد، آمریکا با تقویت پیوندهای تسلیحاتی و اطلاعاتی زمینه تضعیف خرده شبکه مقاومت را فراهم ساخت. در گام دوم با تشکیل سه خرده شبکه پس از سال ۲۰۱۵ با حمایت از خرده شبکه کردها به تجزیه سوریه و تأسیس پایگاه‌های نظامی اقدام نمود. در جریان حمایت هوایی آمریکا از گروه PYD در سال ۲۰۱۵ کردها توانستند کوبانی را از داعش پس بگیرند و در تصرف منبع نیز آمریکایی‌ها از کردها حمایت تسلیحاتی کردند. (Saikal & Acharya, 2014, p 124)

تصویر ۳. محل قرار گرفتن پایگاه‌های نظامی آمریکا در مناطق کردنشین سوریه



در گام راهبردی سوم در سال‌های پس از ۲۰۱۷ خروج ایران و متحدان غیردولتی آن از سوریه و اعمال فشارهای تحریمی و سیاسی - نظامی علیه حکومت بشار اسد قرار دارد. در این گام آمریکا در پی تضعیف بیش از گذشته بشار اسد و انتقال حکومت به دست نیروهای اپوزیسیون طرفدار غرب یا خروج بشار اسد از خرده شبکه مقاومت و هم‌پیمانی با جمهوری اسلامی ایران است.

نمودار ۹. گام‌های راهبردی آمریکا در جنگ داخلی سوریه



۲-۳. راهبرد امنیتی رژیم صهیونیستی در جنگ داخلی سوریه

در این بخش در ابتدا مبانی و اصول راهبردهای امنیتی رژیم صهیونیستی توضیح داده می‌شود و در ادامه دکترین‌های امنیتی این رژیم به ترتیب دوره‌های زمانی بررسی می‌شوند. در ادامه راهبرد امنیتی رژیم صهیونیستی در پیوند تبعی با راهبرد امنیتی آمریکا در جنگ داخلی سوریه تبیین خواهد شد.

۱-۲-۳. اصول امنیتی و دکترین‌های امنیتی رژیم صهیونیستی

دوره‌های زمانی راهبردپردازی پس از شکل‌گیری رژیم صهیونیستی را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد: ۱- دوران بقا و بسط ژئوپلیتیکی (۱۹۴۸-۱۹۸۲)؛ ۲- دوران تثبیت سرزمینی (۱۹۸۲-۱۹۹۶)؛ ۳- دوره موازنه‌سازی هوشمند و پیوندسازی منطقه‌ای (از سال ۲۰۰۰ تاکنون). دوره‌های زمانی مذکور با استفاده از ستون‌های نظری دکترین‌ساز از تحولات نظری امنیتی خاصی برخوردار بوده‌اند. این ستون دکترین‌ساز با توجه به پویایی قدرت در محیط سیستمی پیرامونی رژیم

صهیونیستی شکل گرفته و عبارت‌اند از: ۱- راهبرد پاک‌سازی قومی؛ ۲- راهبرد منطقه‌ای (اتحاد پیرامونی)؛ ۳- راهبرد بین‌المللی اتحاد با آمریکا؛ ۴- راهبرد نظامی (برتری مطلق نظامی)؛ ۵- راهبرد قدرت اتمی (Zanotti, 2018, p 21).

نمودار ۱۰. دوره‌های راهبردپذازی و ستون دکترین‌های امنیتی رژیم صهیونیستی

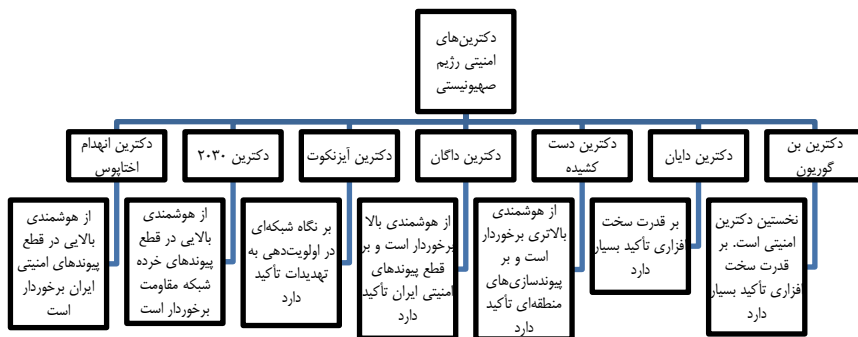


دکترین‌های امنیتی رژیم صهیونیستی به ترتیب دوره‌های زمانی ظهور و عملیاتی شدن آن‌ها در هفت دکترین دسته‌بندی می‌شوند (Krasna, 2018, p 8). دکترین‌های آغازین مرتبط با دوره جنگ سرد هوشمندی کمتری داشته‌اند. با پایان جنگ سرد و پیچیده‌تر شدن شبکه نظم امنیتی و تهدیدات منطقه‌ای رژیم صهیونیستی دکترین‌های امنیتی خود را با استفاده از قدرت ارتباطی و موازنه‌سازی هوشمند پیش برده‌اند. برخی از این دکترین‌ها از هوشمندی بیشتری در پیوندسازی و قطع پیوندها با بهره‌گیری از موازنه‌سازی هوشمند برخوردار هستند؛ به‌عنوان مثال دکترین «بن گوریون» و «دایان» با تأکید بر استفاده از قدرت سخت‌افزاری و انهدام

قاطع نسبت به دکترین دست کشیده که بر نگاه شبکه‌ای شده در نظم امنیتی غرب آسیا تأکید داشته‌اند، هوشمندی پایین‌تری دارند.

با عبور از دکترین دست کشیده و گذار به سمت نگاه‌های شبکه‌ای در طراحی دکترین‌های امنیتی رژیم صهیونیستی شاهد افزایش پیچیدگی و نگاه‌های تار عنکبوتی در طراحی دکترین‌های امنیتی هستیم. به‌عنوان مثال در یکی از آخرین دکترین‌های امنیتی رژیم صهیونیستی با عنوان «انهدام اختاپوس» که در سال ۲۰۱۸ ارائه شد (Hiltermann, 2018) جمهوری اسلامی ایران سر اختاپوس تصویرسازی شده است که با استفاده از بازوهای منطقه‌ای خود شبکه‌ای از تهدیدات و نیروهای ضد صهیونیسم را تقویت کرده و بستر گسترده‌ای از تهدیدات علیه رژیم صهیونیستی را فراهم ساخته است. دکترین‌های هفت‌گانه رژیم صهیونیستی در نمودار ۱۱ ارائه شده‌اند.

نمودار ۱۱. دکترین‌های امنیتی رژیم صهیونیستی



### ۳-۲-۲. راهبرد امنیتی رژیم صهیونیستی در جنگ داخلی سوریه

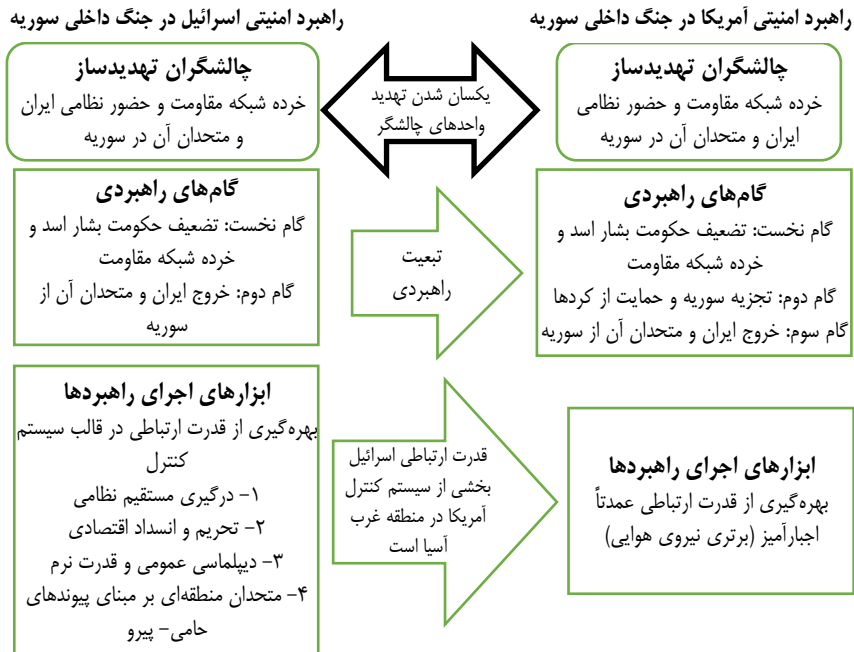
راهبرد امنیتی رژیم صهیونیستی در قالب دستکاری در پویای قدرت جهت نظم‌سازی امنیتی در سوریه در چارچوب تعامل مبتنی بر موازنه هوشمند و مدیریت گره‌های ارتباطی در سه خرده شبکه حاضر در جنگ داخلی سوریه تعریف می‌شود. در واقع راهبرد اجرایی رژیم صهیونیستی با توجه به پیوند تبعی با راهبردهای سه مرحله‌ای آمریکا در دو بعد پیوندسازی و قطع پیوندها خلاصه می‌شود.

## ۳-۲-۱. تبعی بودن راهبرد امنیتی رژیم صهیونیستی

راهبرد امنیتی رژیم صهیونیستی در جنگ داخلی سوریه در دو گام پیوندسازی و قطع پیوندها در هم‌پوشانی راهبردی با سه‌گام راهبردی آمریکا طراحی شده است. آمریکا و رژیم صهیونیستی هر دو با حمایت و پیوندسازی با خرده شبکه مخالفان اسد در پی تضعیف خرده شبکه مقاومت بوده‌اند. پس از حمایت آمریکا از شورشیان و معارضان، رژیم صهیونیستی با حمایت از کردهای عراق و سوریه در کنار حمایت‌های اطلاعاتی و تسلیحاتی - درمانی از معارضین زمینه تقویت خرده شبکه مخالفان اسد را فراهم ساخت. در واقع حمایت‌های رژیم صهیونیستی از خرده شبکه مخالفان بشار اسد در گام نخست راهبردهای آمریکا قرار داشت.

در سال ۲۰۱۹ رژیم صهیونیستی به ارسال کمک‌های تسلیحاتی به مخالفان اسد در بلندی‌های جولان اعتراف کرد؛ درحالی‌که قبلاً تنها به کمک‌های انسانی اعتراف نموده بود. «ایزنکوت» در مصاحبه‌ای به انتقال سلاح‌های سبک به مخالفان اسد برای حمایت از این رژیم در برابر نیروهای اسد اذعان کرده بود ([www.jewishvirtuallibrary.org](http://www.jewishvirtuallibrary.org)). حمایت‌های رژیم صهیونیستی از معارضین سوری در چارچوب سیستم کنترل آمریکا در خوشه شامات برای تضعیف خرده شبکه مقاومت تعریف می‌شود. در نمودار ۱۲ هم‌پوشانی تبعی راهبرد رژیم صهیونیستی و آمریکا را مشاهده می‌کنید.

نمودار ۱۲. مقایسه تطبیقی راهبرد امنیتی آمریکا و رژیم صهیونیستی



۳-۲-۲. پیوندسازی در خوشه شامات

رژیم صهیونیستی در چارچوب دکترین دست‌کشیده به دنبال ائتلاف‌های منطقه‌ای با واحدهای دولتی و غیردولتی غیرمتخاصم بوده است. برای رژیم صهیونیستی کردهای عراق و سوریه از گزینه‌های راهبردی مناسب جهت ائتلاف و پیوندسازی امنیتی بوده است. تقویت پیوندهای سیاسی و تسلیحاتی با کردها در قالب راهبرد اتحاد پیرامونی<sup>۱</sup> بر اساس گسترش شبکه متحدان بر فراز مرزهای ترکیه و اعراب قرار داشته است (Hafeez & Waseem, 2017). پس از اعلام استقلال منطقه خودمختار کردستان عراق در سال ۲۰۱۷، رژیم صهیونیستی تنها بازیگر سیاسی بود که به‌طور جدی از استقلال‌طلبی کردهای عراق حمایت کرد.

آمریکا با کمک رژیم صهیونیستی در قالب سیاست آموزش و تجهیز<sup>۲</sup>

1. Peripheral Alliance
2. Train and equip



نیروهای گُرد و مخالفان اسد را حمایت کرد و در سال ۲۰۱۵ نزدیک به ۵۰۰ میلیون دلار توسط پنتاگون به مخالفان اسد اختصاص داد. با تصرف کوبانی در سال ۲۰۱۴ نیروهای «سنتکام»<sup>۱</sup> آمریکا با کمک نیروهای PYD کرد توانستند مناطق کردنشین را پس بگیرند (clawson, 2016). حمایت رژیم صهیونیستی از کردها ضمن تأمین منافع امنیتی آمریکا به تقویت بازدارندگی این رژیم در برابر خرده شبکه مقاومت و افزایش عمق راهبردی منطقه‌ای آن کمک می‌کند. افزایش فضای تنفس راهبردی و تقویت پیوندهای منطقه‌ای با خرده شبکه‌های تأثیرگذار بر پویایی قدرت و نظم‌سازی امنیتی در خوشه شامات یکی از اهداف کلان‌دکترین دست‌کشیده رژیم صهیونیستی است.

### ۳-۲-۳. قطع پیوندها در خوشه شامات

دکترین‌های ۲۰۳۰ و انهدام اختاپوس به مسئله تضعیف خرده شبکه مقاومت و تضعیف بازوهای نظامی منطقه‌ای ایران تمرکز ویژه‌ای دارند. مخرج مشترک هدف این دو دکترین امنیتی تضعیف متحدان منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است. در گام سوم راهبردی آمریکا خروج ایران و متحدان آن از سوریه در کنار تضعیف فشار اسد قرار دارد. گام دوم راهبردی رژیم صهیونیستی در تبعیت راهبردی از گام سوم راهبردی آمریکا خروج ایران و تضعیف خرده شبکه مقاومت تعریف شده است. برای دستیابی به این هدف راهبردی استفاده از ابزارهای سخت‌افزاری قدرت نظامی با محوریت برتری هوایی برای ضربه زدن به گره‌های ارتباطی نظامی خرده شبکه مقاومت مهم‌ترین ابزار اجرای راهبرد رژیم صهیونیستی در گام دوم است.

الگوی بهره‌گیری رژیم صهیونیستی از ابزارهای اجباری برای قطع پیوندهای خرده شبکه مقاومت را می‌توان بر اساس الگوی تهاجم «ارده وینگیت»<sup>۲</sup> تبیین کرد. بر اساس این الگو رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند تا خود به صورت محدود و با بهره‌برداری از برتری در نیروی هوایی به نابودی اهداف و کمک به نیروهای

1. CENTCOM

2. Orde Wingate

مخالف دولت مرکزی اقدام نماید. این الگوی جنگی «نفوذ دوربرد»<sup>۱</sup> خوانده می‌شود. (Joost, 2018) تا سپتامبر سال ۲۰۱۹ رژیم صهیونیستی بیش از ۳۰۰ حمله هوایی بر ضد خرده شبکه مقاومت انجام داده است. سرنگونی میگ ۲۱ ارتش سوریه و ممانعت از انتقال سلاح به جنوب لبنان با بمباران مسیرهای انتقال در همین قالب قرار می‌گیرند. در آوریل ۲۰۱۷ اسرائیل انبار اسلحه حزب‌الله در نزدیکی دمشق را نابود کرد. نابودی کارخانه تسلیحات موشکی سوریه در سپتامبر ۲۰۱۷ نیز در همین سال اتفاق افتاد. گفت‌وگوهای رژیم صهیونیستی با روسیه برای عقب راندن مستشاران ایرانی تا ۸۰ کیلومتر دورتر از مرزهای جولان و تسهیل حمله به مراکز نظامی ایرانی در سوریه در چارچوب «طرح آزادی عمل»<sup>۲</sup> در قطع پیوندهای نظامی نیروهای مقاومت در گفت‌وگوهای طرفین همواره مطرح بوده است.

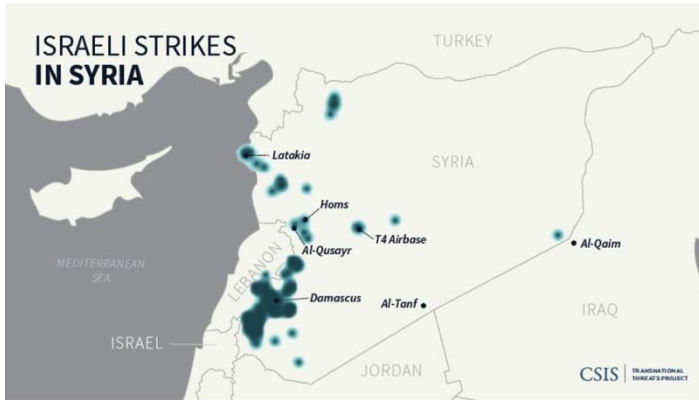
به دلیل عدم تمایل آمریکا برای ورود به خاک سوریه، رژیم صهیونیستی نیز تمایلی به حضور نظامی زمینی ندارد و تنها از طریق برتری هوایی در پی اجرای گام سوم راهبردی آمریکا و گام دوم راهبردی خود است؛ بنابراین با توجه به تقویت خرده شبکه مقاومت پس از آزادسازی بیش از ۶۰ درصد از مناطق سوریه استمرار فشارهای نظامی رژیم صهیونیستی و همکاری‌های اطلاعاتی با آمریکا جهت تضعیف هسته‌ها و گروه‌های نظامی خرده شبکه مقاومت تا آینده نزدیک وجود خواهد داشت. در تصویر ۳ نقاط تیره محل‌هایی است که رژیم صهیونیستی برای آسیب رساندن به خرده شبکه مقاومت به صورت مستمر مورد حمله هوایی قرار داده است.

---

1. Long Range Penetration

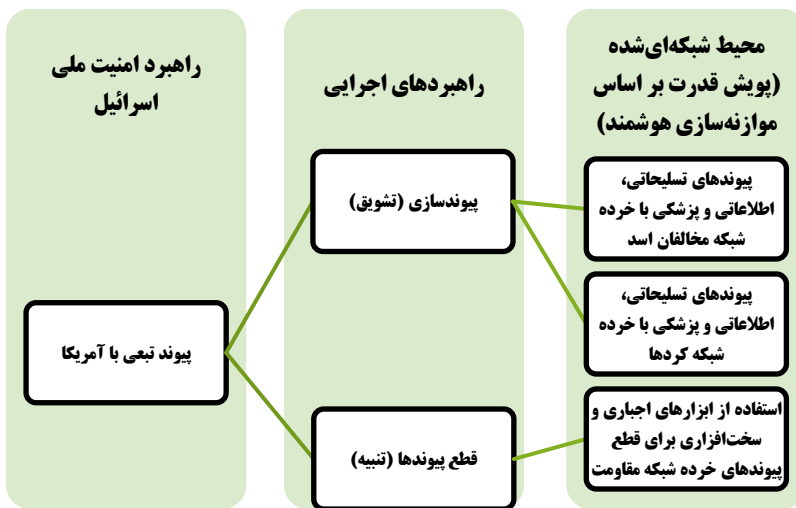
2. Freedom Of Action

تصویر ۴. نقاط حمله هوایی رژیم صهیونیستی به پایگاه‌های خرده شبکه مقاومت



سناریوی محتمل برای جنگ داخلی سوریه با توجه به گام سوم راهبردی آمریکا را می‌توان در سناریوی پیش رو پیش‌بینی کرد که در آن حمایت آمریکا و رژیم صهیونیستی از تجزیه سوریه و تحت فشار قرار دادن حکومت بشار اسد از طریق بمباران‌های هوایی رژیم صهیونیستی و اعمال تحریم‌های شدیدتر در کنار حمایت از خرده شبکه کردها ادامه خواهد داشت. همچنین حضور خرده شبکه ترکیه در مرزهای داخلی سوریه در آینده نزدیک قابل پیش‌بینی است. در نمودار ۱۳ خلاصه‌ای از راهبرد امنیتی رژیم صهیونیستی در جنگ داخلی سوریه را مشاهده می‌کنید.

نمودار ۱۳. راهبرد امنیتی رژیم صهیونیستی در جنگ داخلی سوریه



## نتیجه گیری

جنگ داخلی سوریه بیش از هفت سال به طول انجامیده است. در سال ۲۰۱۹ با کاهش شدت درگیری‌ها و آغاز چانه‌زنی‌های سیاسی برای کسب امتیازات ژئوپلیتیکی و تثبیت دستاوردهای سرزمینی در قالب رقابت و همکاری برای تهیه قانون اساسی و مدیریت درگیری‌ها در سرحدات مناطق تصرف شده راهبردهای امنیتی واحدهای دولتی دچار تحولات مهمی شده است. عربستان سعودی و واحدهای دولتی خوشه خلیج فارس در کنار آمریکا و رژیم صهیونیستی از سرنگونی بشار اسد ناامید شده‌اند و در قالب تقویت پیوندهای تسلیحاتی و دیپلماتیک با کردها به دنبال کسب فضای ژئوپلیتیکی در داخل خاک سوریه هستند.

خرده شبکه مقاومت حدود ۶۵ درصد از خاک سوریه را به دست آورده و توانسته است از سقوط حکومت دمشق جلوگیری کند. روسیه با گسترش دامنه رقابت‌های راهبردی با آمریکا در بیرون از مرزهای خارج نزدیک به چالشگر راهبردی جدی برای آمریکا در سلسله مراتب شبکه نظم جهانی تبدیل شده است. پوشش قدرت بعد از شکست‌های مستمر داعش و اضمحلال نیروهای ضد سیستمی روند پرشتاب سال‌های گذشته را ندارد. خرده شبکه‌های سه‌گانه گُرد، ترکیه و مقاومت به دنبال بسط سرزمینی خود با استفاده از قدرت اجباری نیستند. خرده شبکه ترکیه با استفاده از قدرت چانه‌زنی در پی کاهش تهدیدات خرده شبکه کردها با استفاده از ایجاد و بسط منطقه امن در مرزهای ترکیه و سوریه است.

رژیم صهیونیستی در گام دوم راهبردی خود به دنبال خروج ایران و متحدان آن از سوریه و همچنین تضعیف بشار اسد و عدم بازگشت نظم امنیتی حاضر به سال‌های پیش از ۲۰۱۲ است؛ از این رو با استفاده از برتری هوایی و همکاری‌های اطلاعاتی چندجانبه به دنبال افزایش فشار بر خرده شبکه مقاومت و کاهش سطح آسیب‌پذیری امنیتی خود در مرزهای سوریه است. اکنون با تضعیف بشار اسد رژیم صهیونیستی یکی از دشمنان هم‌مرز خود را در وضعیت شکننده می‌بیند؛ اما بهره‌برداری جمهوری اسلامی ایران از فضای سرزمینی و استقرار پایگاه‌های نظامی در سوریه چالش امنیتی رژیم صهیونیستی در سال‌های آتی باقی خواهد ماند.

### پی‌نوشت

۱. آمریکا در سال ۲۰۱۷ از استقلال کردستان عراق حمایت نکرد و در اکتبر ۲۰۱۹ از عملیات چشمه صلح با حفظ محدودیت‌هایی برای آن حمایت کرد.

### منابع

ساسانیان، سعید (۱۳۹۷). ارزیابی تغییرات الگوی بازدارندگی حزب‌الله لبنان در برابر رژیم صهیونیستی. فصلنامه مطالعات راهبردی. ۲۱ (۱). ص ۴۸  
قاسمی، فرهاد (۱۳۹۳). نظریه‌های روابط بین‌الملل: سایبرنتیک و سیاست خارجی. تهران: نشر میزان.

### منابع لاتین

- Acharya, Amitav (2007). The emerging regional architecture of world politics, World politics. 59(4), p 124.
- AFP (2017, March 2). Syrian army closes in on IS-held Palmyra. Retrieved June 3, 2017, from BBC: <http://www.bbc.com/news/world-middle-east-39147612>
- Al sarhan, Atallah (2017). United States foreign policy and the middle east, Open Journal of political science, No.5. p.31
- Alagappa, Muthiah (2003). The study of international order, Asian security order: instrumental and normative features standford, calif: Stanford university press.
- Bowie, Christopher (2002). The anti-access threat to theater air bases, Washington: DC, center for strategic and budgetary assessments.
- Brzezinski, Zbigniew (1998). The grand chessboard: American primacy and its geostrategic imperatives (New York: Basic book).
- Clawson, Patrick (2016). Syrian Kurds as a U.S ally, see to: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/syrian-kurds-as-a-u.s.-ally-cooperation-and-complications>

- Fulton, W., (2011), Syria-Iran Foreign Relations. Iran Tracker. Retrieved from: <http://www.irantracker.org/foreignrelations/syria-iran-foreign-relations>
- Gilde,Lieke (2014). Social network theory in international relations research, see to <http://arno.uvt.nl/show.cgi?fid=133127>
- Hafeez, Ullah Khan and Waseem, Khan (2017). Syria: History, The Civil War and Peace Prospects, Journal of Political Studies, Vol. 24, Issue - 2, 2017, 557:573.
- Hiltermann,Joost. (2018) “Who Can Prevent a War Between Israel and Iran? Russia,” New York Times.
- Hokayem, Emile (2014) “Iran, the Gulf States and the Syrian Civil War” Survival, 56 (6), pp: 69-86
- Jorg Michael Dostal.2018. Syria's Global War and Beyond: Will the Balance of Power in the Middle East, see to: [https://www.ssoar.info/ssoar/bitstream/handle/document/60028/ssoar-sp-rpsr-2018-3-dostal-Syrias\\_Global\\_War\\_and\\_Beyond.pdf?sequence=1](https://www.ssoar.info/ssoar/bitstream/handle/document/60028/ssoar-sp-rpsr-2018-3-dostal-Syrias_Global_War_and_Beyond.pdf?sequence=1)
- Katari, Ravi S. (2013), “Medical Neutrality and Solidarity in the Syrian Armed Conflict” The Journal of Global Health, 6 (3), pp.: 1- 14.
- Katzenstein,PJ (2005). A world of regions: Asia and Europe in the American imperium. Ithaca,NY: Cornell univ.press.
- Khalaf, Roula and Abigail Fielding Smith (16/5/2013), “Qatar bankrolls Syrian revolt with cash and arms”, from:<https://www.ft.com>.
- Krasna,Joshua (2018) Moscow on the Mediterranean: Russia and Israel’s Relationship, Russia Foreign Policy Papers.
- Kupchan,C.A, (1998). After pax American: benign power regional integration and the sources of a stable multipolarity. International security,No. 32(2).
- Levy,Jack and Thompson,William (2005). Hegemonic threats and great-power balancing in europe 1495-1999, security studies, Vol.14,No.1(January-March).
- Meyssan, Thierry (2015). “France and Israël launch a new war in Iraq and Syria”, *Voltairenet*,23 November 2015, <http://www.voltairenet.org/article189385.html>
- Petersen,Kira,2012, Four types of power in international relations coercive power bargaining power concerted power and institutionalized power, paper for world congress of political science, Madrid. July.

- Rosenberg, Steve (2017) "Why Russia sells Syria arms " Available at: <http://www.bbc.com/news/world-europe-18642032>.
- Saikal,A and Acharya,A(2014). Democracy and reform in the middle east and asia: social protest and authoritarian rule after the arab spring. L.B. Tauris & Co.Ltd.
- See to: <https://www.whitehouse.gov/>
- Starr, B., Labott, E., Acosta, J. (2015). Obama authorizes resupply of Syrian opposition. Retrieved from: <http://edition.cnn.com/2015/10/05/politics/russia-ground-campaign-syria-isis/>
- Steinberg, Guido (2013). Qatar and the Arab Spring: Support for Islamists and new anti-Syrian Policy, accessible online at [http:// www. swp-berlin. org/ fileadmin/ contents/ products/ comments/ 2012C07\\_ sbg.pdf](http://www.swp-berlin.org/fileadmin/contents/products/comments/2012C07_sbg.pdf), p. 5., accessed 8/05/2013.
- Stuster, Dana (2017), "U.S. and Iran Compete in Eastern Syria, Qatar and Saudi Arabia Renew Old Feud, and More Fighting in Libya after Attacks in Manchester and Minya", Middle East Ticker, May 30. 2017.
- Tessman, Brock and Chan,Steve (2004). power cycle risk propensity and great power deterrence, Journal of conflict resolution, Vol.48, No.2, April.
- Tung, YuiLi(2016)," the role of power plays in the Syrian crisis", Hongkong Bobtist University.
- Wohlforth,William (1999). The stability of a unipolar world, International security, Vol.24, No.1 (summer).
- Zanotti, Jim. (2018). Israel: background and U.S relations, Congressional research service.